

استانداردسازی برنامه‌درسی

چیستی و چرایی و ضرورت‌های آن

برنامه آموزشی و
ریزی

دکتر نیروه شاه‌محمدی
افشین چمن‌آرا

اشاره

البته استانداردسازی برنامه‌درسی به معنی یکسان‌کردن محتوای درسی یکسان و روش‌های آموزشی مشابه نیست، بلکه هر منطقه یا استان می‌تواند براساس استانداردهای ملی و با حفظ و رعایت آن، خود رأساً به تهیه محتوا براساس ویژگی‌های محلی بپردازد. استانداردهای برنامه‌درسی به‌عنوان معیارهای غیرقابل انکار در سطح محلی، ایالتی و ملی قابل استفاده هستند و بر مبنای آن‌ها می‌توان برنامه‌درسی محلی غنی و عمیقی را بنا نهاد.

برای رفع معضل مغایرت مقوله «عدم تمرکز» با مسئله «وحدت ملی» نیز تهیه و تدوین استانداردهای برنامه‌درسی راهکاری است که در پرتو آن می‌توان امکان و آگاهی اختیارات و اعتبارات به مناطق گوناگون را فراهم آورد و در عین حال وحدت و انسجام ملی را نیز حفظ کرد.

قابل ذکر است که بسیاری از کشورها با وجود داشتن نظام آموزشی غیرمتمرکز، از استانداردهای ملی برنامه‌درسی برای رسیدن به سطحی خاص از کیفیت، راهنمای عمل برای ایالت‌ها و مناطق، و سنجش و ارزشیابی عملکرد استفاده می‌کنند (فرمی‌هنی، ۱۳۸۴).

استانداردسازی مفهومی است که می‌تواند نشان‌دهنده انسجام و انضباط فعالیت‌های فکری، علمی، فنی و فرهنگی جامعه باشد. استاندارد در معنای عام خود مترادف نظم است و از آنجا که برنامه‌ریزی، نقشه‌کشی برای آینده محسوب می‌شود و باید با نظم و ترتیب همراه باشد تا به اهداف مورد نظر دست یابد، لذا هرگونه برنامه‌ریزی (اعم از برنامه‌ریزی درسی و آموزشی) نیز لازم است استانداردسازی شود.

اهمیت تدوین استانداردهای برنامه‌درسی به حدی است که در برخی از کشورها، عمده مباحث مطرح شده در «سند ملی» به این امر اختصاص دارند.

تعیین استانداردهای محتوا و عملکرد در مواد درسی گوناگون می‌تواند نقطه شروع مناسبی برای اصلاحات برنامه‌درسی، از جمله تمرکززدایی در برنامه‌درسی محسوب شود. برخلاف اینکه تصور می‌شود استانداردسازی فقط در نظام آموزشی متمرکز قابل پیاده شدن است، باید گفت تأثیر استاندارد در نظام آموزشی غیرمتمرکز غیرقابل انکار است و استفاده از استانداردهای برنامه‌درسی در کشورهای دارای نظام آموزشی غیرمتمرکز گواه این سخن است.

سرآغاز

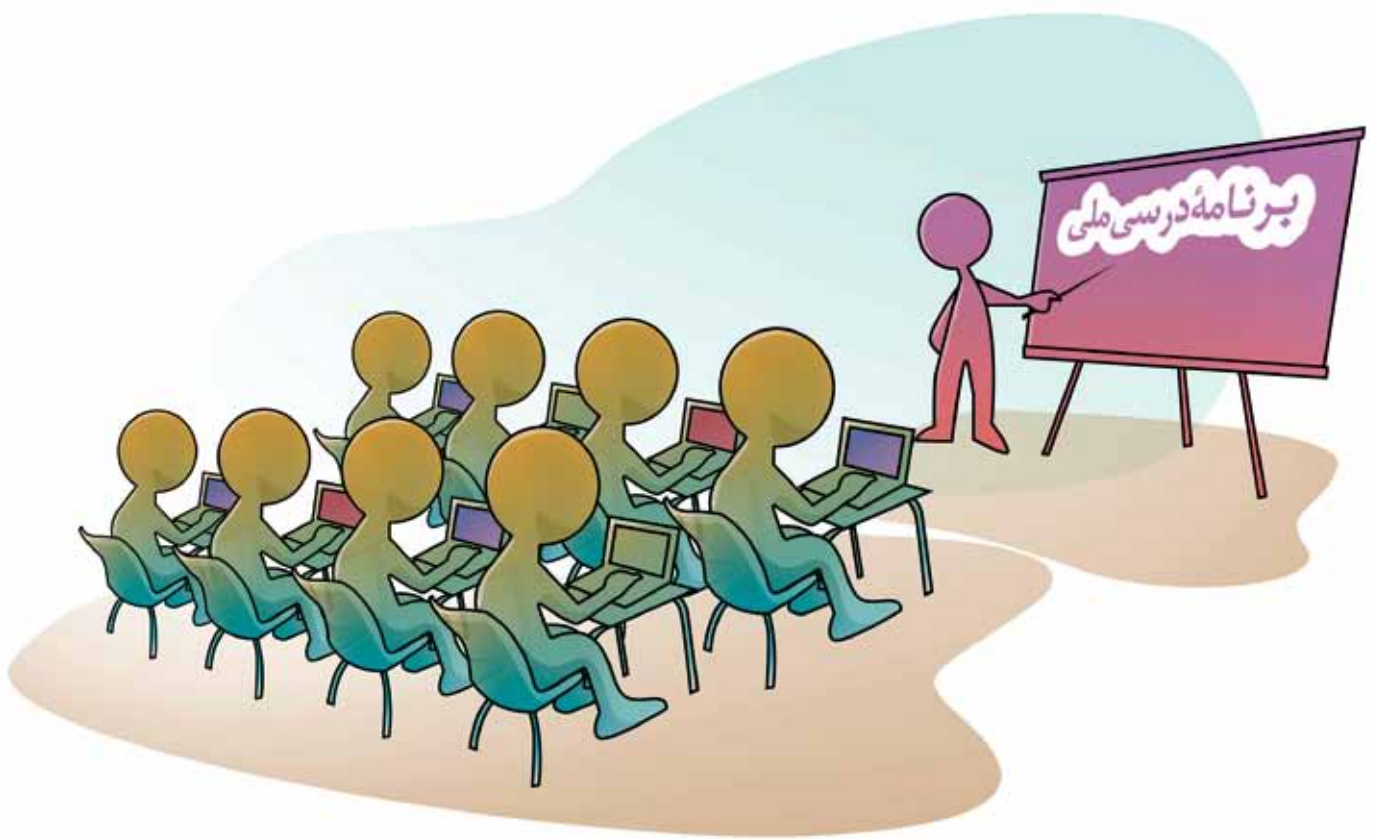
استانداردسازی فعالیتی اجتماعی و اقتصادی محسوب می‌شود که مستلزم همکاری و مشارکت تمامی افراد ذی‌نفع است. نشر یک استاندارد به خودی خود ارزشی ندارد، مگر آنکه به اجرا درآید و این امر خود نیازمند برنامه‌ریزی مناسب است. همچنین، برنامه‌ای که استاندارد باشد از سردرگمی و پیچیدگی‌های زائد در آینده جلوگیری به عمل می‌آورد و کارها را بهتر و سریع‌تر به نتیجه مطلوب می‌رساند.

استانداردسازی برنامه و ضرورت آن

یکی از کارهای اساسی در آموزش و پرورش برای بهبود کیفیت، استانداردسازی برنامه‌درسی است.

کلید واژه‌ها:

نقشه‌کشی،
استانداردسازی،
برنامه‌درسی،
فرهنگ‌سازی،
استاندارد
محتوا



■ مفهوم استاندارد برنامه درسی

«استاندارد برنامه درسی» بیان منسجم و متوازن انتظاراتی است که در یادگیری دانش آموزان مطرح‌اند. در واقع این استانداردها به سطح مطلوب یا کیفیت ملاک‌های یادگیری اشاره می‌کنند و تعهد دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت برای بهتر شدن برنامه محسوب می‌شوند. «استانداردهای برنامه درسی» معیار مناسبی برای قضاوت در سطح ملی، ایالتی و محلی هستند و ساختاری را فراهم می‌آورند که بر مبنای آن می‌توان برنامه درسی محلی غنی و عمیقی را بنا نهاد.

بر اساس سطح مطلوبی که استانداردهای برنامه درسی نشان می‌دهند، می‌توان وضعیت عملکرد را در سه بعد فرد، واحد و سازمان

آموزشی سنجید و در تعیین موارد آموزشی، تعیین وظایف معلمان و تصمیمات آموزشی، از آن بهره برد.

■ سابقه استانداردسازی برنامه درسی ایران

از سال ۱۳۳۵ موضوع استانداردسازی در وزارت آموزش و پرورش با تشکیل «سازمان کتاب‌های درسی»، شکل جدی‌تری گرفت. سازمان مذکور در سال ۱۳۵۵ «سازمان پژوهش و نوسازی آموزشی» نام یافت و پس از انقلاب، در سال ۱۳۵۹ به «سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی» تغییر نام داد. در طول ۴۵ سال اخیر، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی به‌کار تدوین استانداردهای آموزشی برای کتاب‌های درسی و مواد آموزشی

مورد استفاده در مدارس پرداخته است (مقنی‌زاده، ۱۳۸۱). یکی از فعالیت‌های مهم این سازمان، تدوین «نظام برنامه‌ریزی درسی» با عنوان «چارچوب برنامه درسی» است. این چارچوب مشتمل بر رویکرد و منطق حاکم بر برنامه‌های درسی، اصول، حوزه‌ها و مهارت‌های اساسی یادگیری، نگرش‌ها، ارزش‌ها و بیانیه‌های برنامه درسی برای دوره‌های گوناگون تحصیلی است. همچنین، سند چارچوب برنامه درسی در نظام آموزش و پرورش ایران در سه سطح ملی، چارچوب برنامه درسی: «دوره‌های تحصیلی» و چارچوب برنامه درسی: «مواد درسی» نیز تعیین و تنظیم شده است.

در این سند به پیش‌بینی، تعیین و تعریف استانداردهایی در ابعاد

**«استاندارد
برنامه درسی»
بیان منسجم
و متوازن
انتظاراتی است
که در یادگیری
دانش آموزان
مطرح‌اند**

استاندارد محتوا یعنی چه چیزی را دانش آموزان باید یاد بگیرند و قادر به انجام آن باشند

متفاوت برنامه‌ریزی درسی پرداخته شده است. این استانداردها در چارچوب برنامه درسی ملی در ۱۰ زمینه، در چارچوب برنامه درسی: «دوره‌های تحصیلی» در ۱۲ زمینه، و در چارچوب برنامه درسی: «ماده درسی» در ۱۴ زمینه پیش‌بینی شده‌اند (دفتر تألیف و برنامه‌ریزی کتب درسی، ۱۳۷۷).

در سند دیگری که «دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی» با عنوان «منشور مدیریت دفتر برنامه‌ریزی و تألیف» در سال ۱۳۷۹ منتشر کرده است، در فرایند تدوین «راهنمای برنامه درسی» استانداردهایی در ۹ زمینه پیش‌بینی شده‌اند که عبارت‌اند از:

۱. فلسفه وجودی ماده درسی و رویکرد و منطق حاکم بر آن؛
۲. اهداف ماده درسی؛
۳. چارچوب محتوای ماده درسی؛
۴. روش‌های تدریس ماده درسی؛
۵. ارزشیابی ماده درسی؛
۶. ویژگی‌های معلم برای تدریس ماده درسی؛
۷. ویژگی‌های کتاب درسی و کتاب راهنمای معلم، کتاب کار و نیز ارزشیابی و نرم‌افزارهای آموزشی در ارتباط با ماده درسی؛
۸. پیش‌بینی ملزومات، تجهیزات و امکانات مورد نیاز؛
۹. نحوه اشاعه برنامه درسی (دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی، ۱۳۷۹): (مقتنی‌زاده، ۱۳۸۱).

■ مراحل تدوین استاندارد برنامه درسی

در تدوین استانداردهای برنامه درسی در سطوح ملی و محلی باید

این موارد رعایت شوند:

۱. ضمن تأکید بر نیازهای ملی، به نیازهای محلی، بومی و منطقه‌ای هم توجه شود.
۲. موارد واقع‌بینانه و قابل حصول باشند.
۳. اصول همکاری و مشارکت مورد توجه قرار گیرد. استانداردهایی که کارشناسان ستاد مرکزی عمدتاً براساس تحصیلات دانشگاهی و مطالعه تطبیقی تدوین و ابلاغ می‌کنند، در عمل، در همه شرایط، موقعیت‌ها و مناطق، بازدهی مشابه نخواهند داشت، مگر از طریق مشارکت مجریان و فراگیرندگان محلی.
۴. پویا و منعطف باشند تا بتوان از آن‌ها در موقعیت‌های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی استفاده کرد. استانداردها را نمی‌توان در مدت کوتاهی تدوین کرد و برای مدت مدیدی از آن‌ها بهره برد، زیرا متناسب با پیشرفت، مقتضیات و الزامات محیطی، استانداردها نیز باید به‌روز شوند و از پویایی برخوردار باشند.

تدوین استانداردهای برنامه درسی کار پیچیده و دشواری است. بدین لحاظ باید کمیته‌های خاصی در «دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی» در رابطه با هر موضوع درسی شکل گیرد تا با همکاری معلمان خبره، صاحب‌نظران و محققان و با انجام کار میدانی و تطبیقی، استانداردهای موضوعات درسی متناسب با ویژگی‌های فرهنگی و ارزش‌های حاکم بر

جامعه تدوین شود.

■ زمینه‌های متفاوت

استانداردسازی در برنامه

درسی

استانداردسازی معمولاً در دو حیطه کلی مورد استفاده قرار می‌گیرد:

الف. استاندارد محتوا

یعنی چه چیزی را دانش‌آموزان باید یاد بگیرند و قادر به انجامش باشند. تهیه و تدوین استاندارد محتوا نقطه شروع اصلاحات برنامه درسی است. زیرا استانداردهای محتوا، آنچه را که معلمان برای تدریس در نظر دارند و آنچه را که برای یادگیری هر ماده درسی از دانش‌آموزان انتظار می‌رود، مشخص می‌کنند. به عبارت دیگر، استاندارد محتوا، ایده‌ها، مهارت‌ها و دانش‌ها را در هر یک از رشته‌های علمی منعکس می‌سازد و در بیان این دانش‌ها و ایده‌ها، عدالت را برای تمامی دانش‌آموزان رعایت می‌کند.

معیار (سنجه) زیرمؤلفه‌ای برای استاندارد محتواست و مهارت‌ها و ادراکات مورد انتظار برای هر استاندارد محتوا را در پایه‌های گوناگون تحصیلی مشخص می‌کند. مثلاً اگر استاندارد محتوا برای **مفهوم اندازه‌گیری** را در نظر بگیرید، در پایه اول راهنمایی حل مسائل مربوط به محیط انواع شکل‌ها مانند دایره، مثلث، متوازی‌الاضلاع، و در پایه دوم دبیرستان، فهم مفهوم خطای مطلق و نسبی معیار یا سنجه اندازه‌گیری محسوب می‌شود.

هر استاندارد در پایه‌های گوناگون تحصیلی معیارهای متفاوتی به خود می‌گیرد، ولی به‌طور کلی استانداردهای محتوا باید دارای ویژگی‌هایی باشند تا در سطوح و مناطق گوناگون کشور قابل استفاده



باشند؛ از جمله:

- مبتنی بودن بر توافق جمعی؛
- متعادل بودن؛
- ریشه داشتن در رشته‌های علمی؛
- دقیق و بی‌عیب بودن؛
- واضح و مفید بودن؛
- قابل ارزیابی بودن؛
- انعطاف‌پذیر بودن؛
- متناسب بودن با ویژگی‌های رشدی؛
- متمرکز بودن روی محتوای علمی دقیق؛
- قابل فهم و اجرا بودن برای افرادی که باید آن‌ها را اجرا کنند؛ (برنامه‌ریزان درسی، ناظران و معلمان)؛
- پایه مشترک داشتن.

ب. استاندارد عملکرد

استانداردهای عملکرد از استانداردهای محتوا اخذ می‌شوند و میزان سودمندی و شایستگی‌هایی را اندازه می‌گیرند که دانش‌آموزان در زمینه مهارت‌ها و دانش مورد نظر کسب کرده‌اند. در واقع تغییرات خاصی را که از دانش‌آموزان پس از کسب مهارت انتظار داریم، با استاندارد عملکرد مشخص می‌کنیم. در تدوین استانداردهای عملکرد، سطح تبحر و مهارت

دانش‌آموزان باید با توجه به سطوح متفاوت رشد آن‌ها تعیین شود. معمولاً در تدوین چنین استانداردهایی، وجود ابزار سنجش عملکرد و تمایز بین سطوح متفاوت تبحر ضروری است. مثلاً می‌توان عملکرد دانش‌آموزان را در چهار سطح پیشرفته، شایسته، پایه و مبتدی، و یا دو سطح خوب و عالی تعریف کرد. به‌طور کلی استاندارد عملکرد سه عنصر اصلی دارد:

۱. توصیف عملکرد: توصیفی نقلی از آنچه دانش‌آموزان باید بدانند و قادر به انجامش باشند.
۲. نمونه‌های کار: این نمونه‌ها مرتبط با استاندارد هستند و دانش‌آموزان می‌توانند پس از اتمام مطالعه یک یا چند استاندارد، به آن‌ها برسند.
۳. گزارش‌ها: هر گزارش جنبه‌هایی از کار را در ارتباط با توصیف عملکرد نشان می‌دهد.

کیث می‌گفت استاندارد عملکرد از سه جزء ترکیب یافته است:

- عبارتی که یک رفتار را بیان می‌کند.
- فهرست اهدافی که مشخص می‌کند چگونه می‌توان آن

رفتار را شناسایی و ایجاد کرد. ● قضاوت درباره سطح شایستگی در اجرا.

استانداردهای عملکرد میزان شایستگی‌های فردی و حرفه‌ای را نشان می‌دهند و چارچوبی برای ارزیابی کیفیت عملکرد دانش‌آموزان فراهم می‌آورند. معلمان برای سازمان‌دهی برنامه درسی و تدریس، ناشران کتاب‌های درسی برای تهیه و تولید منابع آموزشی برای مدارس، و مسئولان آموزش ضمن خدمت و قبل از خدمت معلمان برای آماده کردن معلمان می‌توانند از استانداردهای محتوا و عملکرد بهره بگیرند. و بالاخره استانداردهای محتوا و عملکرد موجب موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان و اصلاح نظام آموزشی و حرکت به سمت تمرکززدایی می‌شوند (کهنسال، ۱۳۷۶: ۲۱).

■ ارتباط بین استانداردسازی برنامه درسی و تمرکززدایی آموزش

استانداردهای برنامه درسی ضمن ایجاد وحدت در فعالیت‌های اساسی تربیتی، می‌توانند چارچوبی برای طراحی برنامه درسی، معیاری برای ارزشیابی عملکرد

«استاندارد برنامه درسی» بیان منسجم و متوازن انتظاراتی است که در یادگیری دانش‌آموزان مطرح‌اند

**استانداردها
به عنوان
کاتالیزور و
تسهیل کننده
اصلاحات، از جمله
افزایش کیفیت و
تمرکززدایی عمل
می کنند**

آموزشی، رهنمودی برای واگذاری فعالیت‌ها به مناطق آموزشی، و نهایتاً به وجودآورنده حاکمیت نظم و قانونمندی در انجام فعالیت‌های گوناگون تربیتی باشند.

استانداردهای برنامه درسی با استانداردهای صنعتی یکسان نیستند، زیرا استانداردهای صنعتی شکل عینی، کمیت‌پذیر و کاملاً تجویزی دارند، لیکن استانداردهای برنامه درسی شکل کمی و کیفی دارند و خصلت کاملاً تجویزی پیدا نمی‌کنند. به علاوه، تشخیص میزان پای‌بندی به آن‌ها نیازمند ادراک هوشمندانه موفقیت و قضاوت کیفی و نه صرفاً اندازه‌گیری کمی است. بدین لحاظ استانداردسازی برنامه درسی به‌ویژه در مسیر تمرکززدایی، فقط با پذیرش آنکه معلم را در تعارض با خلاقیت، آزادی عمل، اعطای فرصت قالب‌شکنی و تفکر حین عمل قرار ندهد، قابل قبول است.

یکی از شعارهای اساسی طرفداران آموزش و پرورش غیرمتمرکز، استفاده بهینه از ظرفیت‌های محلی و منطقه‌ای و برنامه‌ریزی براساس نیازهای منطقه‌ای است. استانداردهای برنامه درسی، با توجه به ماهیت پویا و انعطاف‌پذیر خود، هم در نظام آموزشی غیرمتمرکز هم در نظام متمرکز قابل استفاده‌اند. برخلاف تصور عمومی، استانداردهای برنامه درسی می‌توانند در امر تمرکززدایی در برنامه درسی مؤثر واقع شوند. برای رفع معضل مغایرت مقوله «عدم تمرکز» با مسئله وحدت ملی، تهیه و تنظیم استانداردهای برنامه درسی و سند ملی، راهکاری است که در پرتو آن

امکان واگذاری اختیارات به مناطق گوناگون فراهم می‌آید. در عین حال، به وحدت و انسجام ملی جامعه نیز آسیبی وارد نمی‌شود، زیرا مناطق مختلف براساس رهنمودهای کلی و استانداردهای تعیین‌شده به برنامه‌ریزی منطقه‌ای می‌پردازند.

هنر نوشتن استانداردهای برنامه درسی در این است که گروه تدوین‌کننده استانداردها که متشکل از افراد صاحب‌نظر، معلمان خوب، نمایندگان مناطق و برنامه‌ریزان است، هویت چندگانه دانش‌آموزان، از قبیل **هویت فردی، هویت اجتماعی، هویت ملی و هویت محلی** آن‌ها را لحاظ کنند تا استاندارد تهیه شده به‌عنوان رهنمودی برای تمامی مناطق کشور قابل استفاده باشد.

استانداردها به‌عنوان کاتالیزور و تسهیل‌کننده اصلاحات، از جمله **افزایش کیفیت و تمرکززدایی عمل** می‌کنند. شعار اصلی طرفداران استانداردسازی برنامه درسی، تغییر از «دسترسی برای همگان» به «یادگیری با کیفیت بالا برای همگان» است. چراکه این طرفداران معتقدند، برابری و عدالت آموزشی را نمی‌توان از تلاش برای اصلاح کیفیت جدا دانست. حامیان استانداردهای آموزشی بر این باورند که استانداردهای یکی از ابزارهای اساسی برای برابری و عدالت آموزشی هستند، زیرا آموزش با کیفیت بالا را برای تمامی دانش‌آموزان طلب می‌کند (مرکز یادگیری سایت تبیان).

استانداردهای برنامه درسی (استاندارد محتوا و عملکرد) در واقع آنچه را که دانش‌آموزان باید

بدانند و قادر به انجامش باشند، مشخص می‌کنند، دانستنی‌ها و توانمندی‌هایی که فقدان آن‌ها یکی از نقیصه‌های اساسی در نظام تعلیم و تربیت محسوب می‌شود، در واقع یکی از ثمرات داشتن سند ملی و برنامه درسی ملی، کمک به تدوین استانداردهای برنامه درسی است. تعیین استانداردهای محتوا و عملکرد در موارد درسی مختلف می‌تواند نقطه شروع مناسبی برای اصلاحات برنامه درسی از جمله تمرکززدایی محسوب شود. هر منطقه یا استان می‌تواند براساس استانداردهای ملی و با حفظ و رعایت آن‌ها، خود رأساً به تهیه محتوا بر اساس ویژگی‌های محلی بپردازد. استانداردهای برنامه درسی به‌عنوان معیارهای قابل اتکا در سطح محلی، ایالتی و ملی قابل استفاده‌اند و بر مبنای آن‌ها می‌توان یک برنامه درسی محلی غنی و عمیق را بنا نهاد.

پی‌نوشت

1. Curriculum framework

منابع

۱. فرمینی، محسن (۱۳۸۴). استانداردسازی و تمرکززدایی از آموزش. اسرار دانش.
۲. مقنی‌زاده، محمدحسین (۱۳۸۱). بررسی استانداردها در نظام برنامه‌ریزی درسی درس مطالعات اجتماعی مقطع ابتدایی در سال تحصیلی ۸۲-۱۳۸۱. مؤسسه پژوهشی برنامه‌ریزی آموزشی. سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.
۳. دفتر تألیف و برنامه‌ریزی کتب درسی (۱۳۷۹). چارچوب برنامه‌های درسی. منشور مدیریت دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی.
۴. کهنسال، سعید (۱۳۷۶). استانداردسازی: شناخت و روش‌های اجرا و تأثیرات آن. ماه‌نامه استاندارد. شماره ۱۰.
۵. مرکز یادگیری سایت تبیان: <http://www.tebyan.net/index.aspx?pid>